



گستره آموزش و پژوهش اقتصاد کشاورزی در ایران؛ رویکردی به کارآمدسازی پژوهش‌های اقتصاد کشاورزی در ایران

داریوش مختاری و غلامرضا سلطانی*

چکیده:

هدف کلی از طرح بحث حاضر، شفاف‌سازی وضعیت آموزش و پژوهش اقتصاد کشاورزی در کشور است. هدف بعدی ارائه استراتژی عملی برای کارآمدسازی پژوهش‌های اقتصاد کشاورزی و برون رفت از وضعیت ناکارآمد موجود می‌باشد. در چارچوب مقاله حاضر، تلاش گردید تا ضمن ارائه تصویری کلی از وضعیت موجود آموزش و پژوهش اقتصاد کشاورزی در کشور، با استفاده از مدل‌های موجود و انتظارات منطقی از مقوله آموزش و پژوهش، این تصویر شفاف‌تر گردد و در ادامه راهکار نهایی ارائه گردد.

در سامانه اجتماعی ایران موانع نهادی فراوانی مانع از پویایی رشته اقتصاد کشاورزی گردیده است. بطور کلی اقتصاد ایران به لحاظ ابهاماتی که در مبانی نظری، بنیادی و نهادی آن از حیث مالکیت‌ها، نقش و جایگاه دولت و نهادهای قانونگذاری و ... دارد موانع متعددی برای کاربرد اصول متعارف علم اقتصاد که بر پایه بازار قرار دارد، وجود دارد. به همین خاطر به سختی می‌توان یک روزنه جهت کارآمدسازی پژوهش ایجاد نمود. بنابراین علیرغم ظرفیتهای بی‌شماری که در رشته اقتصاد کشاورزی نهفته است و زمینه‌های بسیار زیادی که در ایران (جدای از بحث ناکارآمدی سامانه اجتماعی ایران) دارد، کاربرد این علم با موانع بنیادی مواجه شده است. در عین حال در صورت اصلاح شیوه‌های مدیریتی پژوهش‌های اقتصاد کشاورزی می‌توان به ایجاد اصلاحات (Reform) در این زمینه و حل مشکلات موجود امیدوار بود.

در جمع‌بندی نهایی چنین می‌توان اذعان نمود که در گستره آموزش و پژوهش اقتصاد کشاورزی نیاز به اعمال اصلاحات آن هم با شیوه‌های سامان‌یافته (Systematic) می‌باشد. در همین راستا لازم است نقطه هدف معینی تعریف شود تا تمام امورات پژوهشی و آموزشی در این راستا سوق داده شوند. در مقاله حاضر این نقطه هدف، تربیت نیروی متخصص و صاحب‌نظر در زمینه‌های مختلف اقتصاد کشاورزی در یک افق معین 10 ساله تعریف شده است. این مهم نیاز به سازوکارهایی دارد که توسط نهادهای متولی اقتصاد کشاورزی بویژه انجمن اقتصاد کشاورزی فراهم می‌گردد تا با تکیه بر امکانات موجود، زمینه تعالی رشته اقتصاد کشاورزی را فراهم سازد. بدین ترتیب رشته اقتصاد کشاورزی به مرور جایگاه خود را در حل مشکلات اقتصاد کشاورزی کشور پیدا می‌کند و با ارائه نظرات منطقی و واقع‌بینانه می‌تواند اعتماد سیاستگذاران کشاورزی را به رهیافتهای خود جلب نماید.

مقدمه:

اقتصاد کشاورزی یکی از شاخه‌های علمی است که در میان علوم اقتصاد کاربردی از قابلیت‌های بالایی برخوردار است و علاقمندان زیادی را به خود جذب نموده است. اما متأسفانه چه در ایران و چه در خارج از کشور دچار ایراداتی در **روش** و **محتوا** گردیده است و در صورتی که نتوان آنرا از گزند این خطرات مصون داشت آنگاه نمی‌توان از ظرفیتهای منحصر به فرد آن بهره‌مند شد.

در ایران در حال حاضر رشته اقتصاد کشاورزی در سطوح اجرایی و سیاستگذاری کشاورزی رشته ناشناختنی است و آنچنان که بایسته و شایسته آن است نقش مطلوب خود را ایفا نمی‌نماید. بدون شك عدم اطلاع مسولین اجرایی از توانایی‌ها و ظرفیتهای رشته اقتصاد کشاورزی به همراه ایرادات محتوایی و روشی آن، موجب عدم استفاده مطلوب از این رشته شده است. علیرغم اینکه تصمیم‌گیری‌های کلان بخش کشاورزی، اقتصادی است اما نقش اساسی در این خصوص اغلب توسط متخصصین غیر اقتصاد

* بترتیب کارشناس ارشد اقتصاد کشاورزی و استاد گروه اقتصاد کشاورزی دانشگاه شیراز

کشاورزی اتخاذ می‌شود و موارد متعددی مشاهده گردیده است که نوع تصمیماتی که صرفاً مربوط به رشته اقتصاد کشاورزی می‌شود، توسط افراد غیرمتخصص اتخاذ گردیده است. یا اینکه فارغ‌التحصیلان این رشته در سطوح تصمیم‌گیریهایی مرتبط فعالیت نمی‌نمایند. این در شرایطی است که رشته اقتصاد کشاورزی مبتلا به عواض و صدماتی شده است و از مسیر خود منحرف شده است. در این میان لازم است برنامه مدون و سازمان‌یافته و قابل اجرایی ارائه گردد و این برنامه بایستی بر پایه واقعیت‌های موجود باشد.

از سوی دیگر علیرغم اینکه در کشور ایران بودجه‌های تحقیقاتی با عناوین مختلف در بخش‌های پژوهشی و آموزشی تزیق می‌گردد، اما فضای ناکارآمدی بر پژوهش‌های اقتصاد کشاورزی حاکم است و علیرغم صرف وقت و هزینه‌های زیاد، نتایج مثبتی به دنبال ندارد. نتایج بررسی مختاری و سلطانی (1379) نشان می‌دهد که تحقیقات اقتصاد کشاورزی تأثیرگذاری لازم را بر مشکلات اقتصادی بخش کشاورزی ایران نداشته‌اند.

اضافه بر آن واقعیت‌های حاکم بر اقتصاد ایران اعم از مشکلات ارزی، پدیده قاچاق کالا، ناکارآمدی سامانه اداری، ضعف سامانه بانکی و نرخ بهره بالای اعتبارات بانکی، موجب ناکارآمدی بخش‌های خصوصی و دولتی یعنی جایی که طرح مسئله پژوهش از آنجا نشأت می‌گیرد، شده است. بدین ترتیب بستر اقتصادی و اجتماعی جهت کارآمدی پژوهش بویژه پژوهش‌های اقتصادی در کشور وجود ندارد. علی‌احمال فرایند پژوهش در ایران از یک سو ناکارآمد است و از سوی دیگر به مثابه یک کلاف سردرگم می‌ماند که در مقاله حاضر سعی بر آن است تا حلقه مفقوده آن پیدا شود.

این در شرایطی است که آنچه از بخش تحقیقات انتظار می‌رود این است که تحقیقات می‌بایست ارتباط تعریف‌شده‌ای با بخش اجرا و آموزش داشته باشد. تحقیقات باید سعی کند معضلات بخش اجرایی را حل و محتوای بخش آموزش را غنی نماید. بخش تحقیقات باید طوری طراحی شود که بتواند حداکثر بهره برداری را از ظرفیت‌های طبیعی و نیروی انسانی بنماید. بخش تحقیقات باید دورنمای روشنی برای خود داشته باشد. برنامه‌های کاری و زمان بندی دقیقی برای رسیدن به اهداف مورد نظر داشته باشد. برنامه‌ها باید شامل کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت باشد. بخشی از برنامه‌های پژوهشی باید پاسخگویی نیازهای آتی و حال جامعه باشد. اما وظیفه مهمتری که برای پژوهشگر وجود دارد آنست که آینده‌نگری داشته باشد و نیازهای آتی را پیش‌بینی نماید و برای آن برنامه‌ریزی کند. اضافه بر آن بخش تحقیقات باید سعی کند از علوم و فنون روز بهره گیرد و متناسب با آن پیش برود. تبادل اطلاعات در سطوح کشوری، منطقه‌ای و جهانی در غنابخشیدن به پژوهش و معنی‌دادن به آن نقش تعیین‌کننده دارد. دورکن اساسی در این رابطه تربیت نیروی انسانی و تخصیص اعتبار لازم متناسب با اهداف و برنامه‌های تحقیقاتی می‌باشد. همینطور اکثر برنامه‌ریزی‌های تحقیقاتی باید در ارتباط با تعیین اولویت‌ها باشد و یکی از معیارهایی که منطقاً می‌تواند در تحقیق کاربردی بکار گرفته شود ارتباط عملی (Practical Relevance) است (هومن، 1342).

با توجه به اهمیت موضوع در این مقاله، در ادامه برخی از نارسائی‌های موجود در زمینه تحقیقات و آموزش اقتصاد کشاورزی تشریح گردیده است.

1. وضعیت موجود اقتصاد کشاورزی در ایران در گستره آموزش و پژوهش:

مسائل آموزشی و تحقیقاتی اقتصاد کشاورزی امروزه دچار سکون و از هم گسیختگی شده است که به همراه سایر مسائل حاکم بر بدنه آموزش و تحقیقات در کشور، موجب جدائی هرچه بیشتر تحقیقات و آموزش این رشته از مسائل و مشکلات اقتصاد کشاورزی کشور شده است. به گونه‌ای که پژوهش‌های اقتصاد کشاورزی منحصر به استفاده از مدل‌های اقتصادی اقتباس شده از منابع خارجی و یا حتی رونویسی کارهای داخل شده است. به ندرت می‌توان تحقیقی را یافت که طرح مسئله آن از مشکلات مزرعه و یا اینکه از نیازهای تحقیقاتی بخش کشاورزی برخاسته باشد.

در بخش‌های اقتصاد کشاورزی با سابقه به مسائل آموزش اقتصاد کشاورزی در سطح کارشناسی که بنیان تحصیلات در دوره‌های تکمیلی است توجه کافی نمی‌شود. از طرفی محتوای سوالات آزمون کارشناسی ارشد از مباحث تخصصی اقتصاد کشاورزی به سمت مباحث اقتصاد نظری سوق داده شده

است (همانند سوالات کارشناسی ارشد دروس توسعه و سیاست کشاورزی و مدیریت مزرعه). در دوره‌های تکمیلی نیز پویایی لازم که شرط اصلی کیفیت این رشته‌هاست وجود ندارد. اغلب فارغ‌التحصیلان دوره‌های تکمیلی این رشته، از توانایی کافی برای تحلیل اقتصاد کشاورزی برخوردار نیستند و اساساً به انجام کارهای کمی که بیشتر جنبه نمایشی دارد می‌پردازند. این قبیل فارغ‌التحصیلان به یقین مزرعه را نمی‌بینند و تنها همان عدد و رقم را می‌بینند. برخی از این فارغ‌التحصیلان هرچند از معدل تحصیلی بالایی برخوردارند ولی در تحلیل مسائل اقتصاد کشاورزی ضعیف می‌باشند.

این در شرایطی است که تعداد فارغ‌التحصیلان این رشته بطور مکرر افزایش می‌یابد. دانشگاه‌های دولتی و آزاد در سطوح کارشناسی و کارشناسی ارشد و دکترا دانشجوی اقتصاد کشاورزی تربیت می‌نمایند و مرتباً به ظرفیتهای آنها افزوده می‌شود. گنجاندن مدل ریاضی و اقتصادسنجی که از ماهیت انتزاعی بالایی برخوردارند يك الزام در پایان‌نامه‌هاست. یعنی در ایران نه تنها این مشکل وجود دارد، بدتر از آن مشکل پراکنده‌کاری و نبود متخصص کارآمد در این رشته نیز وجود دارد.

در دانشگاهها و مراکز پژوهشی اقتصاد کشاورزی کشور در زمان مصاحبه، تاکید بر سوالات تئوریک می‌باشد. به همین دلیل آنهایی که از ذهن تحلیلی برخوردارند و بنابراین کمتر به محفوظات توجه دارند از فرایند مصاحبه حذف می‌شوند. در شرایط حاضر چهار دانشگاه در کشور دانشجوی دکتری تربیت می‌نمایند، گرچه دانشجویان دکترا واحدهای درسی کافی می‌گذرانند و در زمینه مقاله‌نویسی آموزش کافی می‌بینند. اما این افراد اغلب از زمینه ذهنی و فکری کافی برای اجرای طرحهای پژوهشی اصیل برخوردار نیستند. محققین اقتصاد کشاورزی بطور پراکنده و بدون انسجام به فعالیت مشغول می‌باشند و اغلب بطور پراکنده در خصوص موضوعات و مقوله‌های مختلف اظهار نظر می‌نمایند.

بسیاری از مسائل مورد تحقیق بصورت کلیشه‌ای و یا تکراری می‌باشد. این در حالی است که مسائل واقعی بیشماری برای بررسی و تحقیق وجود دارد. به عنوان مثال در حوزه بازار محصولات کشاورزی مسائل عدیده‌ای وجود دارد و ظرفیتهای بیشماری برای کار وجود دارد. این در شرایطی است که تاکنون حتی يك کتاب بازاریابی مناسب که توسط متخصص اصلی آن یعنی اقتصاددان کشاورزی به رشته تحریر درآمده باشد وجود ندارد.

از طرفی جریان علم در اقتصاد کشاورزی حتی در سطح بین‌المللی با مشکل مواجه گردیده است. بنا به اظهار ریاست انجمن بین‌المللی اقتصاددانان کشاورزی¹ "اقتصاد کشاورزی دیگر به زبان سیاستگذاران صحبت نمی‌کند. بلکه با زبان بسیار پیچیده ریاضی صحبت می‌کند که قابل فهم و هضم برای برنامه‌ریزان و سیاستگذاران نیست". لانگورس (Longworth, 1991) نیز در همین رابطه اذعان می‌دارد: "در چهار دهه اخیر، اقتصاد کشاورزی، مدیریت مزرعه و جامعه‌شناسی روستایی ارتباط ضعیفی با بیولوژی و علوم فرهنگی داشته‌اند. روشهای علوم اجتماعی هنوز هم می‌تواند به کمک اجرای طرحهای توسعه پایدار بیانند. تحقیقات بایستی برای پاسخ به نیازهای توسعه پایدار در زمینه کشاورزی باشند و تلاش مدیران آینده باید این باشد که چگونه توجه بهترین محققان را به این سمت معطوف کنند. ... ایده‌های خوب که ممکن است در قالبی غیرآکادمیک طرح شوند مورد توجه مجلات علمی واقع نمی‌شوند و از بین می‌رود....."

در همین راستا لازم به ذکر است که در رشته‌هایی همچون روانشناسی، مدیریت و علوم اجتماعی استفاده از مدل‌های تحقیق بر پایه يك چارچوب نظری مدون انجام می‌گیرد و مدل تحقیق بسیار ساده و مبتنی بر روشهای ساده آمار توصیفی و استنباطی است. اما مبتنی بر چارچوب نظری است. یعنی در آنجا چارچوب نظری که اساساً مبتنی بر تحقیقات انجام شده قبلی می‌باشد، شکل می‌گیرد. به تعریف و معرفیها بطور کامل اهمیت داده می‌شود. هرچند ماهیت تحقیقات اقتصادی بویژه اقتصاد کاربردی تا حد زیادی از تحقیقات روانشناسی، پژوهشگری اجتماعی و علوم رفتاری متفاوت می‌باشد، اما به هر حال يك ضرورت در سطح بین‌المللی احساس می‌شود که به تنوع مدل‌ها در رشته‌های اقتصاد کاربردی ساماندهی داده شود. چونکه متخصصین علوم اقتصاد نظری مرتباً در صدد توسعه این مدل‌ها می‌باشند. حتی در شرایط حاضر فارغ‌التحصیلان رشته اقتصاد کشاورزی (بعنوان يك رشته کاربردی) مدل‌ها را

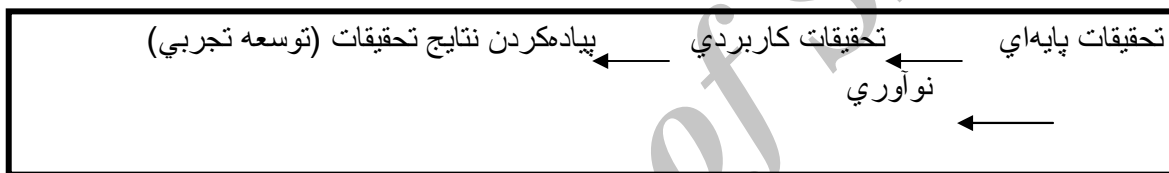
¹کنفرانس انجمن بین‌المللی اقتصاددانان کشاورزی، برلین، 2000.

توسعه می‌دهند. این در شرایطی است که در تز دکترای بایستی به یک نوآوری و یافته جدید برسند نه یک کار کپی شده و صرفاً ارائه یک مدل پیچیده ریاضی. در ادامه به لحاظ اینکه ارتباط کارآمدی رشته اقتصاد کشاورزی را با شرایط سامانه اجتماعی مشخص نماییم، به برخی مدل‌هایی که به تشریح این ارتباط پرداخته‌اند اشاره خواهیم نمود.

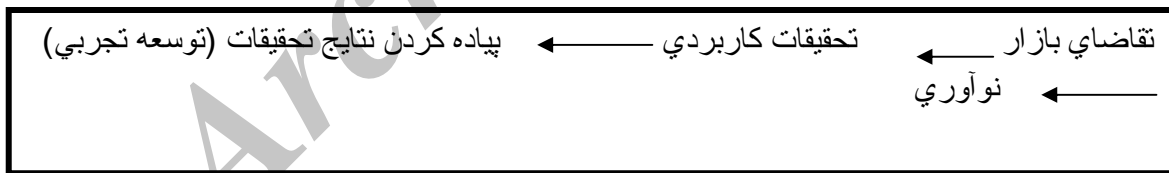
2. مدل‌های موجود و تصویری از ناکارآمدی سامانه اجتماعی و ارتباط آن با آموزش و پژوهش اقتصاد کشاورزی:

اگر از کلیات شروع کنیم می‌بینیم که علم با استفاده از تبیین، توصیف و پیش‌بینی پدیده‌های موجود، برای رفع مشکلات بشر از طریق توسعه دامنه آگاهی‌های او آمده است. علم که به نوبه خود از دو کلیت آموزش و پژوهش تشکیل گردیده است، در صورتی از کارکرد مناسب برخوردار است که با کمک آن بتوان مشکلات جامعه را حل نمود. برای دستیابی به این هدف لازم است تا ارتباط و موقعیت علم در جامعه روشن گردد. این مهم در مدل هدایت علم و مدل کشش بازار و نیاز تشریح گردیده است.

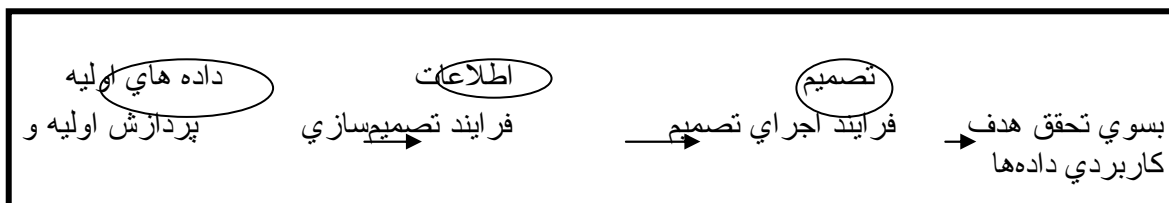
بطور کلی توسعه کمی و کیفی جامعه‌ها، همگی مرهون تصمیم‌سازیه‌ها و تصمیم‌گیریهایی است که بر پایه تحقیقات علمی صورت گرفته است. از این رو مدتها این نظر و تلقی حاکم بوده است که نوآوری‌های تکنولوژیک از درون خود پیشرفتهای علمی (و یا گاه از تحقیقات پایه‌ای کنجکاوانه) نشأت می‌گیرد. به عبارتی روند و جهت پیشرفت علوم و تحقیقات تا حدود زیادی تابع عوامل درونی است. این نظر را که به مدل "هدایت علم" موسوم است می‌توان به صورت زیر نمایش داد:



در سال‌های 1960 مدل متفاوت دیگری از نوآوری مطرح شد که در میان اقتصاددانان طرفدار بسیاری پیدا کرد. بر طبق این مدل، نوآوری‌ها به دلیل تغییر در تقاضای بازار و یا خواسته‌های جدیدی که ایجاد می‌شود بروز می‌کند. این مدل که به نام مدل کشش بازار و نیاز (Need-Pull) معروف است حاکی از این است که جهت تحقیقات علمی در واقع تابع عوامل بیرونی است. این مدل را می‌توان بصورت زیر نمایش داد:



بطورکلی می‌توان کارکرد تحقیق را در فرایند تصمیم‌سازی اجتماعی و سازمانی در شکل زیر نشان داد.



در ادامه با نگاهی عمیق‌تر به سامانه اجتماعی، ملاحظه می‌شود که موانع بنیادی فراوانی برای تأثیرگذاری پژوهش در کشور وجود دارد. به همین ترتیب برای انجام پژوهش‌های اقتصاد کشاورزی

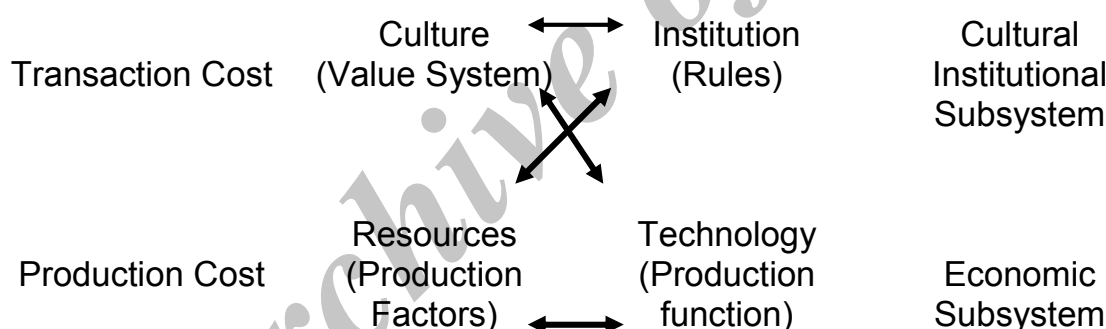
نیز موانع نهادی و بنیادی فراوانی در بخش کشاورزی وجود دارد. در این خصوص از مدل توسعه اجتماعی ورنون هیامی اقتصاددان برجسته توسعه کمک می‌گیریم. به اعتقاد هیامی (Hayami, 1999) سامانه اجتماعی (Social System) متشکل از دو زیرسامانه به شرح زیر می‌باشد:

- زیرسامانه اقتصادی (Economic Subsystem)

- زیرسامانه نهادی-فرهنگی (Cultural Institutional Subsystem)

توسعه از طریق ارتباط بین این دو زیرسامانه رقم می‌خورد. ضمن اینکه بین عناصر زیر سامانه‌ها نیز ارتباط وجود دارد. بین عناصر بالا و پایین هم ارتباط هست. منابع می‌تواند شامل منابع طبیعی، نیروی کار و سرمایه باشد. تکنولوژی به مثابه ترکیب معین عوامل تولید که به میزان معینی از تولید منجر می‌شود، می‌باشد که به آن می‌توان تابع تولید گفت. محصول زیر سامانه اقتصادی، درآمد است. یعنی با یک سطح از منابع و تابع تولید، میزان معینی درآمد ایجاد می‌شود. این زیرسامانه رشد اقتصادی در تولید ملی (تولید سرانه) ایجاد می‌کند. محصول (Product) هم ارزش افزوده‌ایست که بوسیله بکارگیری منابع حاصل می‌شود. این ارزش افزوده بین مالکین منابع توزیع می‌شود (همان توزیع درآمد). بین افزایش منابع و پیشرفت تکنولوژی یک ارتباط وجود دارد. فرض کنید در خصوص منابع آب به یک تکنولوژی (بهبود تکنولوژی منابع آب) برسیم که قبل از آن نیاز به سرمایه‌گذاری در تکنولوژی منابع آب را دارد. این تکنولوژی دو پیامد دارد. اول اثر مستقیم که شامل افزایش دسترسی به زمین بیشتر (افزایش سطح زیرکشت) به دلیل دستیابی به منابع آب بیشتر می‌باشد. دومین پیامد، افزایش عملکرد زمین است که بدون اینکه تولید کشاورزی کاهش یابد، ضمن افزایش مواد غذایی امکان آزدشدن منبع نیروی کار را فراهم می‌سازد (اثر غیر مستقیم منبع). بنابراین اثر مستقیم توسعه تکنولوژی (مثل سد) منجر به افزایش منابع (زمین) می‌شود و اثر غیرمستقیم آن منجر به آزدشدن منبع دیگر یعنی نیروی کار می‌شود. بنابراین هر دو اثر تکنولوژی، اثرات مثبتی بر منابع می‌گذارند.

مدل توسعه اجتماعی (Social Development Model)



بهبود تکنولوژی نیاز به سرمایه‌گذاری ملموس و ناملموس دارد. بهبود تکنولوژی به دو طریق به وقوع می‌پیوندد که هر دو طریق به سرمایه ناملموس منتهی می‌شوند.

- از طریق پژوهش (Research)

- از طریق آزمون و خطا (Trial and Error)

این دو منجر به ذخیره دانش مهندسی (Engineering knowledge) می‌شود که خودش یک نوع سرمایه‌گذاری ناملموس (Intangible Investment) می‌باشد. اما احداث سد، کانال یا آبیاری قطره‌ای را سرمایه‌گذاری ملموس (Tangible Investment) گویند. خود دانش مهندسی یک تابع تولید دارد که به آن سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی (Capitals Human) گویند. سرمایه انسانی از طریق تحصیل، آموزش، سلامتی و بهبود می‌یابد. حالا خود این سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی منجر به این می‌شود که کارایی تولید دانش مهندسی افزایش یابد و این بهبود تکنولوژی به رشد هر دو

نوع سرمایه‌گذاری کمک می‌کند.

حالا به ارتباط زیرسامانه اقتصادی و زیرسامانه نهادی-فرهنگی می‌پردازیم. رشد اقتصادی که از زیرسامانه اقتصادی انتظار می‌رود توسط فرهنگ و نهادها محدود می‌شود. فرهنگ در واقع سامانه ارزشی یک جامعه را گویند. نهاد هم مجموعه قوانین و مقررات رسمی و غیررسمی است که رفتارهای ما را شکل می‌دهند. ترکیب نهادها و فرهنگ هم از هم تأثیر می‌گیرند.

حالا چطور زیر سامانه بالا روی پایینی اثر دارد؟ به عنوان مثال سرمایه‌گذاری، منبعث از انباشت پس‌انداز خانوارها می‌باشد. به عنوان مثال شمال و جنوب کشور را در نظر بگیرید. حالا می‌خواهیم بدانیم فرهنگ مردم‌ها در این مناطق چه اثری بر پس‌انداز دارد؟ در شهرهای جنوبی مصرف در حال را به آینده ترجیح می‌دهند. اما در مرکز و شمال بیشتر به پس‌انداز تمایل دارند. بنابراین مشی فرهنگی بر میل نهایی بر پس‌انداز تأثیر می‌گذارد.

نهاد معادل Institution است. نهاد چیست و چه ارتباطی با اقتصاد دارد؟ قوانین رسمی که در تعریف نهاد آمده شامل قانون اساسی (Constitution)، قوانین مصوب (State Laws)، قوانین عرفی (Common Laws)، آیین‌نامه‌های ویژه (Specific by Laws)، موارد خاص قانونی (Specifications) (که شامل بخش‌نامه‌ها و مقررات اداری و محلی) می‌باشند. قوانین غیررسمی هم شامل آداب و رسوم (Conventions)، قواعد و اصول سلوک (Codes of Conduct) می‌باشند. وقتی ما در یک اقتصاد تک نفره باشیم که به آن اقتصاد کروزوئی‌های می‌گویند، تنها کنش بین فرد و طبیعت را داریم که هزینه‌های عادی تولید را داریم. اما در یک اقتصاد دو نفره هزینه‌های مبادلاتی (Transaction costs) یا هزینه‌های حضور در بازار را داریم. به این اقتصاد، اقتصاد نهادگرا گویند. در این اقتصاد ما باید هزینه‌های عملیاتی تولید را متحمل شویم و علاوه بر آن هزینه‌های مبادلاتی را هم داریم. مثل هزینه کشف قیمت‌های مناسب، کشف خصوصیات کارا، هزینه چانه‌زنی، هزینه رسیدن به توافق و هزینه نظارت. هر چه در اقتصاد توسعه نیافتگی بیشتر باشد سهم این هزینه‌ها بیشتر است. که این هزینه‌ها از نوع هزینه‌های ناملموس هستند. نهاد این هزینه‌ها را کاهش می‌دهد. فیزیکی‌ها می‌گویند در غیاب اصطکاک می‌توان مشخصات حرکت را معلوم کرد. اما در صورت وجود اصطکاک باید آن را به صورت پارامتری در فرمول وارد کرد. نهادها هم حکم اصطکاک را دارند. هر چه ما نهادهای مصوب بیشتری داشته باشیم اصطکاک در اقتصاد کمتر می‌شود (نورث، 1997).

بطور کلی نهاد ساختاری باثبات برای کاهش ناطمینانی است. هر چه نهادها تعریف شده‌تر باشند بهتر می‌توان هزینه‌های مبادلاتی را کاهش داد و پایین آمدن این هزینه‌ها به منزله کارایی اقتصادی می‌باشد. در اقتصاد آمریکا هزینه‌های مبادلاتی معادل 40 درصد از GNP آن کشور می‌باشد. پس نقش نهاد بطور مستقیم کاهش هزینه‌های مبادلاتی و بطور غیرمستقیم کاهش هزینه‌های عادی تولید است. یعنی وقتی به دنبال راه حل مناسب برای کشف خصوصیات کارا می‌رویم. ضمن اینکه هزینه‌های مبادلاتی را کاهش داده‌ایم، چون فرایند تولید کارتر می‌شود. بنابراین هزینه‌های عملیاتی تولید را هم کاهش داده‌ایم.

همانطور که در بخش‌های مختلف مقاله اشاره گردید ناکارآمدی سامانه اقتصادی بویژه بخش کشاورزی زمینه ناکارآمدی پژوهش‌های اقتصاد کشاورزی را فراهم آورده است. اکنون در فضای اقتصادی ایران موانع بنیادی برای ابراز وجود رشته اقتصاد کشاورزی وجود دارد. در همین شرایط بهره‌برداریهایی کشاورزی ماهیت بنگاه اقتصادی به مفهوم واقعی را ندارند. بازار محصولات کشاورزی با موانع بنیادی در عرصه‌های ملی و بین‌المللی مواجه است. بهره‌وری تولید به شدت پائین است و دهها مشکل دیگر گریبانگیر اقتصاد کشاورزی ایران است. در همین شرایط بستر مناسب برای به ثمر رسانیدن پژوهش مفید وجود ندارد.

اضافه بر آن لازم به اشاره است که بخش زیادی از نتایج تحقیقات در زمانی که این تحقیقات برای بخش خصوص انجام می‌شود به فضای حاکم بر بخش خصوص و سودآوری در این بخش بستگی دارد و آن بخش از نتایج تحقیقات که به بخش دولتی مربوط می‌شود به کارآمدی در فضای اداری بستگی دارد. در شرایط کنونی اغلب واحدهای تولیدی در بخش خصوصی به لحاظ وجود عواملی چون کندی سامانه اداری، نرخ بهره، نرخ ارز و قاچاق کالا و عدم تولید محصولات قابل رقابت در عرصه جهانی، با مشکلات سودآوری مواجه می‌باشند. ضمن اینکه بخش کشاورزی علاوه بر مشکلات فوق، از

لحاظ بنیانی و ساختاری نیز با مشکلات زیادی مواجه است. مزارع کوچک و پراکنده سبب گردیده است تا اقتصاد کشاورزی ایران نتواند صورت رقابتی پیدا کند و در مواردی نیز که تولید به منظور محصولات نقدی انجام می‌گیرد به مشکلات خاصی برخورد می‌کنند.

در سامانه اجتماعی ایران موانع نهادی فراوانی مانع از پویایی اقتصاد گردیده است. بطور کلی اقتصاد ایران به لحاظ ابهاماتی که در میانی نظری، بنیادی و نهادی آن از حیث مالکیت‌ها، نقش و جایگاه دولت و نهادهای قانونگذاری و ... دارد موانع متعددی برای کاربرد اصول متعارف علم اقتصاد که بر پایه بازار قرار دارد، وجود دارد. به همین خاطر به سختی می‌توان یک روزنه جهت کارآمدسازی پژوهش ایجاد نمود. بنابراین علیرغم ظرفیتهای بی‌شماری که در رشته اقتصاد کشاورزی نهفته است و زمینه‌های بسیار زیادی که در ایران (جدای از بحث ناکارآمدی سامانه اجتماعی ایران) دارد، کاربرد این علم با موانع بنیادی مواجه شده است. در عین حال در صورت اصلاح شیوه‌های مدیریتی پژوهش‌های اقتصاد کشاورزی می‌توان به ایجاد اصلاحات (Reform) در این زمینه و حل مشکلات موجود امیدوار بود.

3 0 جمع‌بندی و راهکارها:2

راهکار نهایی توصیه یک حرکت سامان‌یافته (Systematic Approach) می‌باشد. منظور از حرکت سامان‌یافته این است که بطور تصادفی عمل نکنیم. سامانه‌هایی (Systems) که بطور تصادفی عمل می‌کنند عملاً از هم پاشیده محسوب می‌گردند. این حرکت سامان‌یافته بایستی در تاروپود کلیتهای آموزش و پژوهش اقتصاد کشاورزی و ارتباط آن با بخش کشاورزی برقرار گردد. برای این منظور لازم است تا به افراد آموزش داده شود که چگونه در قالب یک حرکت سامان‌یافته عمل کنند و بتوانند به افراد شاخصی در زمینه مورد نظر خود تبدیل شوند. در این راستا لازم است تا کارگاه‌های آموزشی برای دانشجویان تحصیلات تکمیلی و حتی برای مدرسین اقتصاد کشاورزی گذاشته شود. توصیه می‌شود در این خصوص از افراد زبده علم اقتصاد کشاورزی در خارج و داخل کشور کمک گرفته شود.

بنابراین ابتدا بایستی ببینیم که عمده مشکلات بخش کشاورزی کجاست، یعنی موضوع را پیچیده نکنیم. بایستی ابتدا مسائل بخش کشاورزی ساده شوند. بیخود به معلولها پرداخته نشود و بودجه‌های تحقیقاتی هر چند اندک صرف کارهای بیهوده و مسائلی که به نوبه خود به اصلاحات لایه‌های اجرایی مربوط می‌شود و با اصلاح مدیریت‌ها، حل می‌گردد، پرداخته نشود. بایستی مسئله کلی، ساده شود. ژاپنی‌ها به مصداق ساده زیباست در اوان ایجاد اصلاحات اقتصادی در بخش کشاورزی، به این جمع‌بندی رسیدند که اعم مشکل ناکارآمدی بخش کشاورزی‌شان در پراکندگی و کوچکی اراضی زراعی نهفته است. بدین سبب اقدام به یکپارچگی اراضی نمودند. یعنی پس از شناسایی مشکل همین که دیدند مشکل چیست در جهت حل آن اقدام نمودند. بدیهی است در صورتی که در مواردی که می‌دیدند نیاز به انجام یک تحقیق عملی یا کاربردی است اقدام به مطالعه می‌نمودند. این است که در عرصه پژوهش در کشور هنوز در شناسایی و طرح مسئله مانده‌ایم. چه رسد به انجام یک پژوهش تمام عیار. ببینیم مشکلات بخش کشاورزی چیست. بیخودی مسائل مقطعی همچون اشتغال و .. را قاطی نکنیم. اما به هر حال نجات تحقیقات اقتصاد کشاورزی از پراکنده کاری از ارزش بالایی برخوردار است. بنابراین لازم است تا اولویتهایی که مؤسسات و سازمانها تعریف می‌کنند، سازماندهی شوند و مشخص گردد که این اولویتها مبتنی بر نیاز احساس شده جامعه کشاورزان کشور می‌باشد. در این راستا تعیین اولویتهای تحقیقاتی و ساماندهی آنها از طریق پیگیری توسط لایه‌های برنامه‌ریزی اقتصاد کشاورزی همچون انجمن اقتصاد کشاورزی یک ضرورت است. بدین معنی که همانطور که در مقاله پیشین (مختاری و سلطانی، 1379) ذکر گردید عموم پژوهشگران لازم است به خطوط کاری پیوسته و سازمان یافته که دیدگاههای بلندمدت داشته باشند، متصل شوند.

در خصوص کاربرد نتایج تحقیقات، دو روزنه وجود دارد: بخش خصوصی و بخش دولتی. بنابراین

² به منظور ارائه دقیق‌تر راهکار پیشنهادی، از یک مثال استفاده شده است که در ضمیمه مقاله آمده است.

ابتدا باید ببینیم که این روزه ها در بخش خصوصی وجود دارد یا در بخش دولتی.

پژوهشگران اقتصاد کشاورزی زمانی می‌توانند در مراحل تولید و بازاریابی در بخش خصوصی کشاورزی (که بیش از 90 درصد از کشاورزی ایران را شامل می‌شود) خدمات تحقیقاتی و مشاوره‌ای ارائه دهند که این بخش ماهیت بنگاه اقتصادی پیدا کند. وگرنه هیچگاه بهره‌برداریهایی کوچک انگیزه و توانایی و یا نیاز به کارهای تحقیقاتی پیدا نخواهند کرد. اکنون که با تقویت تعاونی‌های تولید کشاورزی، دولت درصدد است تا مشکلات ساختاری موجود را برطرف کند، می‌توان امیدوار بود که شاید از طریق تعاونی‌های تولید بتوان خدمات تحقیقاتی ارائه داد که این مورد هم قابل تعمق و بررسی است. علی‌احمال با مشکلاتی که در بخش خصوصی کشاورزی ایران وجود دارد، زیاد نمی‌توان امیدوار بود که بتوان به بهره‌برداریهایی کشاورزی خدمات پژوهشی ارائه داد. در هر حال روزه اصلی تحقیقات یا جایی که بتواند خوراک تحقیقاتی داشته باشد بطوریکه طرح مسئله‌ها از آنجا به بخش تحقیقات سرازیر شود و از بخش تحقیقات به سمت بازار سوق داده شود، در بخش خصوصی تا حدودی مجموعه‌های کشت و صنعت می‌باشند.

در بخش دولتی هم ارگانهای اجرایی و تصمیم‌گیری مرتبط با بخش کشاورزی می‌باشند که در شرایط حاضر پژوهشگران و مدرسان اقتصاد کشاورزی در گستره پژوهش اقتصاد کشاورزی خطوط کاری خود را بر پایه ارائه خوراک تحقیقاتی به بخش‌های تصمیم‌گیری دولتی سوق داده‌اند. اکنون سؤال اینجاست که چگونه می‌توان جریان لازم را از مراکز تحقیقات اقتصاد کشاورزی به بخش دولتی سوق داد. مگر نه اینکه مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی و گروه‌های اقتصاد کشاورزی و سایر مؤسساتی که به نحوی طرح‌های مطالعاتی اقتصاد کشاورزی انجام می‌دهند همین کار را انجام می‌دهند. ادعای این کلام این نیست که چنین جریانی وجود ندارد، بلکه ادعا این است که این مسیر کارآمد نیست. برای ایجاد کارآمدی بایستی یک حرکت سامان‌یافته داشت. بدین معنی که کنفرانسها و مقالات و طرح‌های مطالعاتی در صورتی که همگام و منسجم باشند، می‌توانند مفید باشند. یعنی تمام خطوط بایستی هم جهت باشند و یک نقطه هدف را دنبال کنند. در شرایط حاضر ارائه مقالات بصورت پراکنده و تصادفی می‌باشد. هر پژوهشگری به کار خود مشغول می‌باشد. لازم به یادآوری است که طراحی آموزش و پژوهش اقتصاد کشاورزی بایستی به گونه‌ای باشد که با بکارگیری ابزارهای موجود (اعم از تربیت دانشجوی مقاطع تحصیلات تکمیلی، انجام طرح‌های مطالعاتی، نگارش مقالات داخل و خارج از کشور و...) به تربیت لاقط دهها متخصص اقتصاد کشاورزی در زمینه‌های آب، بازاریابی محصولات کشاورزی و سایر زمینه‌های موجود که در افق حال و آتی (10 سال) جزء اولویت‌های محض محسوب می‌شوند منتهی گردد. بایستی جریان آموزش و پژوهش به سمت لایه‌های سیاست‌گذاری و بخش‌های فعال اقتصادی مرتبط با بخش کشاورزی شکل بگیرد. برای وقوع چنین امری نیاز به طراحی سامانه‌های مناسب می‌باشد. تأکید مقاله حاضر بر شکل‌دهی این جریان می‌باشد. بطورکلی هرگونه حرکت سامان‌یافته بالطبع نتیجه‌بخش خواهد بود. بایستی افراد در جهت شاخص شدن گام بردارند. برای این امر نیاز به مجموعه‌ای کارها دارند که در بالا ذکر شد. یعنی امروز کشور ایران در جایگاه خوبی از حیث آب قرار دارد. در قلمرو مطالعات بازاریابی ظرفیتهای بی‌شماری وجود دارد. اکنون راحل این است که در قالب یک حرکت سامان‌یافته که واقعیتهای موجود را در نظر بگیریم و نقاط هدف معینی را معرفی نمائیم. یقیناً هدف غایی، مفید بودن و کارآمد ساختن رشته اقتصاد کشاورزی می‌باشد.

در عین حال می‌توان راجع به اهم مشکلات و ناکارآمدی‌های بخش کشاورزی از صاحب‌نظران و پژوهشگران نظرخواهی نمود که علت‌های واقعی چیست و اگر برای حل این مشکلات نیاز به انجام تحقیق باشد، تحقیق انجام گردد.

تشکیل سازمان‌های غیردولتی (NGO) از جمله مهندسی مشاور (Consulting Engineers) یک راه حل کاربردی برای این موضوع است که در حال حاضر دولت پیش‌بینی‌های لازم را نموده است و در قالب آیین‌نامه‌های مدون و رسمی این تشکلهای بطور مکرر روبه افزایش هستند. این تشکلهای عموماً در حوضه‌های مطالعات آب و خاک، مشغول ارائه خدمات مشاوره‌ای هستند و وزن مطالعات اقتصاد کشاورزی در این تشکلهای پائین هست. حتی در مطالعات آب و خاک، به ارزیابی‌ها و تحلیل‌های منفعت-

هزینه این طرحها اهمیت زیادی داده نمی‌شود. در همین راستا لازم است تا مطالعات بازار محصولات کشاورزی نیز جزء زمینه‌های کاری این قبیل مؤسسات قرار گیرد.

بنابراین اقتصاد کشاورزی در گستره آموزش و پژوهش چه در سطح بین‌الملل و چه در سطح ایران نیاز به انجام اصلاحات دارد. برای انجام این رفرم نیاز به نیروهای زبده می‌باشد. از آنجا که سامانه آموزش ایران در حال حاضر در 4 دانشگاه دکترا تربیت می‌نماید، گزینش دانشجویان در این دانشگاهها بایستی بر پایه برخورداریشان از ذهن پویا و توان تحلیلی بالا انجام گیرد و بینش لازم در آنان ایجاد گردد که بتوانند نیازهای تحقیقاتی بخش کشاورزی را تأمین نمایند.

در جمع‌بندی نهایی چنین می‌توان ادعان نمود که در گستره آموزش و پژوهش اقتصاد کشاورزی نیاز به اعمال اصلاحات آن هم با شیوه‌های سامان‌یافته می‌باشد. در همین راستا لازم است نقطه هدف معینی تعریف شود تا تمام امورات پژوهشی و آموزشی در این راستا سوق داده شوند. در مقاله حاضر این نقطه هدف، تربیت نیروی متخصص و صاحب‌نظر در زمینه‌های مختلف اقتصاد کشاورزی در يك افق معین 10 ساله تعریف شده است. این مهم نیاز به سازوکارهایی دارد که توسط نهادهای متولی اقتصاد کشاورزی بویژه انجمن اقتصاد کشاورزی فراهم می‌گردد تا با تکیه بر امکانات موجود، زمینه تعالی رشته اقتصاد کشاورزی را فراهم سازد. بدین‌ترتیب رشته اقتصاد کشاورزی به مرور جایگاه خود را در حل مشکلات اقتصاد کشاورزی کشور پیدا می‌کند و با ارائه نظرات منطقی و واقع‌بینانه می‌تواند اعتماد سیاست‌گذاران کشاورزی را به رهیافتهای خود جلب نماید.

به منظور آشنایی با چگونگی شناخت مسائل تحقیقاتی و روش اجرای تحقیق بطور سامان‌یافته، در ضمیمه این مقاله يك مثال بطور مبسوط آمده است.

ضمیمه مقاله:

موضوع: ضرورت مطالعه، طراحی و نظارت بر اجرای پروژه‌های سرمایه‌گذاری مرتبط با بازار محصولات کشاورزی (خرما، سیب، انگور، پیاز، سیب زمینی و گوجه فرنگی) در استان فارس

استان فارس، با توجه به پتانسیلهای موجود به ویژه دارا بودن منابع طبیعی، آب و هوای متنوع، اقلیم مستعد، خاک حاصلخیز می‌تواند در افزایش تولید محصولات کشاورزی نقش قابل توجهی را ایفا نماید. موقعیت اقلیمی این استان از نظر درجه حرارت، نوع خاک و شرایط آب و هوایی به گونه‌ای است که امکان کشت اکثر محصولات زراعی و باغی در آن میسر است. این استان در تولید محصولات زراعی و باغی دارای جایگاه ممتازی می‌باشد، به گونه‌ای که در سال زراعی 81-1380، با 7/6 درصد کل اراضی زیرکشت و 11/4 درصد از کل تولیدات زراعی سالانه کشور، رتبه سوم را به خود اختصاص داده است. از نظر تنوع محصولات زراعی در سال زراعی 81-1380، 14/2 درصد غلات، 12 درصد محصولات صنعتی، 11/1 درصد سبزیجات، 7/7 درصد حبوبات، 5/9 درصد محصولات جالیزی و 14/1 درصد نباتات علوفه‌ای تولیدی کشور در این استان تولید شده است.

بررسی آمار صادرات محصولات کشاورزی استان فارس نشان می‌دهد که محصولات صادراتی اساسی استان در سالهای قبل شامل خرما، سیب و پیاز و در سالهای اخیر محصول انگور می‌باشد. در شرایط موجود بحرانی‌ترین محصول صادراتی، محصول خرما می‌باشد. اضافه بر آن منفی‌ترین نرخ رشد صادراتی نیز مربوط به همین محصول می‌باشد. در شرایط حاضر، اغلب واحدهای فرآوری و بسته‌بندی این محصول دچار ورشکستگی گردیده‌اند. با توجه به اینکه در افق چندساله آتی، خرماي عراق که جزء مرغوبترین خرماهای دنیا می‌باشد در بازارهای جهانی وارد خواهد شد، عرصه بر صادرات خرماي ایران (و بالطبع استان فارس) تنگتر خواهد شد. در خصوص محصول انگور نیز، تصویر شفافی از حیث صادرات وجود ندارد و کشف عواملی که منجر به رشد صادرات این محصول شده است، جالب به نظر می‌رسد.

اضافه بر آن مطالعه در خصوص محصول پیاز نیز از این حیث که بدنبال خرید تضمینی دولت، هر ساله بخش عمده‌ای از آن نابود می‌گردد، ضروری می‌باشد. البته این معضل در خصوص محصول سیب‌زمینی نیز وجود دارد که اهمیت صادراتی آن کمتر می‌باشد.

در ماههای اخیر، افزایش ناگهانی و استثنایی قیمت گوجه‌فرنگی به سایر بحرانهای بازار محصولات کشاورزی کشور افزوده شده است. بویژه آنکه نوسانات قیمت و تولید محصول گوجه‌فرنگی، حاشیه سودآوری کارخانجات فرآوری این محصول را نیز به مخاطره انداخته است و به لحاظ حضور کشور چین در بازارهای جهانی و ارائه رب گوجه‌فرنگی با قیمت پائین‌تر، صادرات این محصول از سوی ایران تقریباً متوقف شده است.

بنابراین کشف و شناسایی تنگناها و قابلیت‌ها و مشکلات عمومی تولید، بازاریابی و صادرات محصولات کشاورزی استان بویژه محصولات فوق‌الذکر (خرما، سیب، انگور، پیاز، سیب زمینی و گوجه فرنگی) ضرورتی انکارناپذیر می‌باشد.

این در شرایطی است که علیرغم اینکه یکی از معضلات اساسی بخش کشاورزی در ایران مرتبط با بازار محصولات کشاورزی در کشور می‌باشد، برخی اظهارنظرها و نتایج تحقیقات بعمل‌آمده در خصوص بازار این محصولات بدور از واقعیات حاکم بر آن می‌باشد و نتایج تحقیقات مذکور قابلیت اجرایی ندارند.

هم‌اکنون مطالعات مرتبط با بازار اغلب توسط پژوهشگران دانشگاهی و مراکز تحقیقاتی بطور مکرر انجام می‌گیرد که به لحاظ ضعف سامانه تحقیقاتی، هر چند نتایجی بدست می‌آورند. اما یا با واقعیتهای موجود در تضاد می‌باشند و یا اینکه راحلهای صحیح آن نیز در مسیر اجرایی قرار نمی‌گیرد.

از طرفی در شرایطی که برای بازار محصولات کشاورزی راحلهای ساده وجود دارد مسائل این بازار به شدت پیچیده شده است.

الآن در خصوص بازار محصولات کشاورزی مشکلات عدیده‌ای وجود دارد. تحقیقات گسترده‌ای هم در

حال انجام است. سواي اين بحث كه لايه‌هاي پژوهش و اجرا از يكديگر جدا هستند و نتايج پژوهش در بخشهاي اجرايي منعكس نمي‌شود، موضوع اساسي اين است كه اين تحقيقات به زبان سياستگذاران نيست و نتايج آن برخاسته از واقعيت نيست و به نتايجي كه مشكلات بخش اجرا را نيز حل نمايد، منتهي نمي‌گردد.

اعتقاد بر اين است كه وضعيت حاكم بر بازار محصولات كشاورزي در استان فارس نياز به انجام تحقيقات عملي (Action Research) دارد كه در حيطه وظيفه مهندسين مشاور (Consulting Engineers) مي‌باشد. سعي مي‌شود با استفاده از يك مثال، موضوع روشنتر شود.

در خصوص محصولات كشاورزي چند معضل وجود دارد كه شامل نوسانات قيمت محصولات كشاورزي، نبود امكانات و تسهيلات بازراريابي و نبود سامانه اطلاع‌رساني بازار مي‌باشد. اگر كل مشكلات بازار محصولات كشاورزي شامل اين سه مورد باشد، در خصوص مورد اول نياز به تحقيق کاربردي (Applied Research) و در خصوص موارد دوم و سوم نياز به انجام تحقيق حل مسئله يا عملي (Action Research) مي‌باشد. تحقيق کاربردي توسط پژوهشگران اقتصاد كشاورزي در مراكز تحقيقاتي و دانشگاهي و تحقيقات عملي نيز توسط مهندسين مشاور انجام خواهد گرفت كه فرايند كاري آنان شامل سه مرحله كلي مطالعه، طراحي و نظارت بر اجرا مي‌باشد. در فاز مطالعاتي، مطالعات لازم در خصوص امكانات و تسهيلات بازراريابي ابتدا به تفكيك هر كدام از محصولات كشاورزي و ترجيحاً در شعاع منطقه اي، انجام خواهد گرفت و گزينه‌هايي كه از حيث فني، اجتماعي، اقتصادي و مالي از توجه كافي برخوردار باشند، ارائه خواهد گرديد. سپس در فاز طراحي، جزئيات گزينه‌هاي منتخب طراحي خواهد گرديد و ميزان هزينه‌هاي اجرايي پروژه‌هاي منتخب به بخش اجرا (دولت) منعكس خواهد شد. بخش اجرا نيز پروژه هاي منتخب را در پروسه سرمايه‌گذاري قرار مي‌دهد و در مرحله اجرا، مهندسين مشاور وظيفه نظارت بر اجرا را در اختيار دارند. در اين رابطه بخش اجرا بايستي سعي كند حتي‌المقدور عمليات سرمايه‌گذاري را با مشاركت بخش خصوصي انجام دهد و اتكا به اعتبارات دولتي كمتر باشد.

به عنوان مثالي ديگر، اتحاديه صادركنندگان ميوه و تره بار استان در تلاش است تا پايانه مناسب در مساحت حدود 50 هكتار در مجاورت شهرك صنعتي سلطان‌آباد، تاسيس نمايد. اين پروژه يك رامحل اساسي براي بسيار از مشكلات صادرات محصولات كشاورزي استان است. وقتي رامحل‌هاي ساده‌اي براي مسائل وجود دارد، نياستي وقت و هزينه صرف انجام پژوهشهاي بي‌ثمر شود.

بدين ترتيب ديگر چه معني مي‌دهد كه مرتباً تحقيقات مكرر راجع به موضوعي كه بسياري از رامحل‌هاي آن مشخص است و اساساً نياز به انجام تحقيق کاربردي ندارد، انجام گردد؟

بطور كلي مقابله با بحران بازار محصولات كشاورزي نيز همچون ساير مشكلات، قبل از هر چيز نياز به برخورد سامان‌يافته (Systematic Approach) دارد. در قالب برخورد سامان‌يافته، فعاليتها از شكل تصادفي خارج مي‌گردند. بنحوي كه يك نقطه هدف معين مي‌گردد و با الگوهاي برنامه‌ريزي شده در جهت دستيابي به اين نقطه هدف، حركت مي‌نمائيم.

براي اين منظور پيشنهاده مي‌گردد فرايند زير طي گردد:

الف. شناسايي دقيق طرح مسئله: اعم مشكلات بازار محصولات كشاورزي در شعاع استان فارس بطور مشخص تعيين گردد. در صورتي كه چند مشكل وجود داشته باشد، مرزهاي هر كدام از مشكلات مشخص گردد.

ب. بررسي وضعيت موجود: در اين خصوص لازم است آيتم‌هاي زير مورد بررسي قرار گيرد:

-حجم تحقيقات و اولويت‌هاي تحقيقاتي مرتبط با بازار محصولات كشاورزي مراكز دانشگاهي و پژوهشي در استان

-وضعيت موجود پروژه‌هاي اجرايي مرتبط با بازار محصولات كشاورزي در استان

-اهم فعاليتها، برنامه‌ها و رامحل‌هاي تشكلهاي مرتبط با بازار محصولات كشاورزي اعم از اتحاديه صادركنندگان،

-اهم اقدامات و برنامه‌هاي ارگانهاي اجرايي

ج. انجام تحقیقات کاربردی: در خصوص آن دسته از مشکلاتی که نیاز به انجام تحقیقات کاربردی است، آیت‌های تحقیقاتی به مراکز پژوهشی و آموزشی استان که در حال حاضر هم در حال انجام چنین تحقیقاتی هستند، ارجاع داده شود.

د. انجام مطالعات (تحقیقات) عملی: در خصوص مشکلاتی که راحلها مشخص است و نیاز به انجام پروژه‌های سرمایه‌گذاری (همچون تسهیلات و امکانات بازاریابی) است، لازم است مطالعات فاز یک آن که مشتمل بر شناسایی دقیق، مکانیابی یا محل‌های اجرای این پروژه‌ها و شناسایی گزینه‌هایی که دارای توجیه فنی، اجتماعی، اقتصادی و مالی می‌باشد، در پروسه مطالعاتی مهندسی مشاور قرار گیرند.

ه. انجام مطالعات طراحی: در خصوص پروژه‌های پیشنهادی و تعیین‌شده در قالب مطالعات طراحی، لازم است این گزینه‌ها طراحی گردند و میزان حجم عملیات سرمایه‌گذاری مورد نیاز آنها برآورد گردد.

و. اجرای پروژه‌های سرمایه‌گذاری پیش‌بینی شده: مطابق رقم‌های برآوردشده در فاز طراحی، اعتبارات دولتی مورد نیاز جذب شود و یا بستر مناسب جهت جذب سرمایه‌گذاری بخش خصوصی (فعالین اقتصادی مرتبط با بازار محصولات کشاورزی) ایجاد گردد.

منابع:

1. حافظ‌نیا، م.ر. (1377)، "مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی"، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها، تهران.
2. کیوی، ر. و کامینهود، ل.و. (1375)، "روش تحقیق در علوم اجتماعی؛ نظری و عملی"، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، نشر توتیا، تهران.
3. مختاری، ن. و سلطانی، غ. (1379) "نقدی بر تحقیقات اقتصاد کشاورزی در ایران؛ نگاهی به نتایج تحقیقات اقتصاد کشاورزی در کشور" مجموعه مقالات سومین کنفرانس اقتصاد کشاورزی ایران " دانشگاه فردوسی مشهد.
4. نورث، د. (1997)، "اقتصاد نهادی".
5. هومن، ا. (1342)، "اقتصاد کشاورزی"، انتشارات دانشگاه تهران.
6. Hayami, V. (1999) "Economic Development".
7. Longworth, J.W. (1991), "Human capital formation for sustainable agricultural development". Proceedings of twenty-first international conference of agricultural economic, Dartmouth, Japan, Tokyo.